

## فرا تحلیلی بر تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

1. حسین زارع، 2. آزیتا خرامان\*

1. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، 2. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(تاریخ وصول: 98/10/29 - تاریخ پذیرش: 99/02/31)

## A Meta-Analysis on Gender Differences in Ethical Decision Making

1. Hossein Zare, 2. Azita Kharaman\*

1. Professor of Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran, 2. Phd Student of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Received: Jan. 19, 2020 - Accepted: May. 20, 2020)

## Abstract

**Objective:** The similarities and differences of moral judgments between men and women have always been a place for discussion and debate. And since ethics and its related areas are not separate from psychology because of its importance in social and human interactions, it is also of great importance. For this reason, much research and empirical work has focused on gender differences and ethics, which has yielded mixed results and has created ambiguities. Therefore, this research can be helpful in explaining these issues. **Method:** Regarding the purpose of the study, the method of the meta-analysis and the statistical population of the present study are all published and published studies on gender differences in ethical decisions that have been published in the last ten years. **Results:** According to this study, the effect size of gender differences in ethical decisions by sub-components of changes in articles is equal to (0.095) in the first interval ( $d = 0.2$ ) and is low. **Conclusion:** The results suggest that although gender differences in emotional responses appear to be detrimental to others, both men and women engage in similar levels of processing in moral confrontation, and differences in factors. Such as age, education, education, etc. are more important.

**Keywords:** Moral judgment, Ethical decision making, Ethical reasoning, Moral dilemmas.

## چکیده

**مقدمه:** شباهت و تفاوت قضاوت‌های اخلاقی در بین زنان و مردان همیشه محلی برای بحث و گفتگو بوده است؛ و از آنجایی که اخلاق و حوزه‌های مربوط به آن به دلیل اهمیت آن در تعاملات اجتماعی و انسانی از روانشناسی جدا نبوده و از اهمیت بسزایی نیز برخوردار است، به همین علت بسیاری از کارهای پژوهشی و تجربی با تمرکز بر روی تفاوت‌های جنسیتی و اخلاق انجام گرفته است که نتایج متفاوتی نیز در بر داشته و ابهاماتی را در این زمینه ایجاد کرده است. لذا این پژوهش در تشریح این موضوعات می‌تواند کمک‌کننده باشد. روش: با توجه به هدف بررسی، روش از نوع فراتحلیل و جامعه آماری مطالعه حاضر عبارت است از تمامی مطالعات انجام شده و چاپ شده در رابطه با تفاوت‌های جنسیت در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است که در ده سال اخیر منتشر شده‌اند. یافته‌ها: بر اساس این پژوهش اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به تفکیک زیر مؤلفه‌های متغیرها در مقاله‌ها برابر با (0/095) در بازه اول ( $d=0/2$ ) و کم است. نتیجه‌گیری: نتایج حکایت از آن دارد که هرچند به نظر می‌رسد که تفاوت‌های جنسیتی در واکنش‌های عاطفی نسبت به ایجاد آسیب در دیگران است اما در مواجهه اخلاقی هم زنان و هم مردان سطوح مشابهی از پردازش خود را درگیر کرده و تفاوت‌ها در عواملی همچون سن، تحصیلات، آموزش،... از اهمیت بیشتری برخوردارند.

واژگان کلیدی: قضاوت اخلاقی، تصمیم‌گیری اخلاقی، استدلال اخلاقی، تنگناهای اخلاقی.

\* نویسنده مسئول: آزیتا خرامان

\*Corresponding Author: Azita Kharaman

Email: azitakharaman@yahoo.com

اما اخلاق زنانه بیشتر تابع احساسات و شخصی است و رشد و توسعه اخلاقی را در مسیر مراقبت، با تمرکز بر حفظ روابط، پاسخ به نیازهای دیگران و عدم آسیب‌رسانی در نظر می‌گیرد و نه عدالت.

از آن زمان تاکنون بسیاری از کارهای تجربی با تمرکز بر روی این یک نظریه در مورد تفاوت جنسی در تصمیم‌گیری اخلاقی انجام شده که نتایج متفاوتی را در بر داشته به طوری که بعضی از آن‌ها اختلاف آماری معنی‌داری را بین تصمیم‌گیری‌های اخلاقی<sup>6</sup> مردانه و زنانه نشان داده (بیجرکلاند<sup>7</sup>، 2003؛ آلدریچ و کیچ<sup>8</sup>، 2003؛ زامزو و بیکلز<sup>9</sup>، 2009؛ بانرجی، هابنر و هوسر<sup>10</sup>، 2010) و بعضی دیگر به این نتیجه نرسیده و آن را رد می‌کنند (جافی و هیده<sup>11</sup>، 2000؛ سیدسایامدوست<sup>12</sup>، 2015). اگرچه شواهد موجود در مورد تفاوت‌های جنسیتی در استدلال اخلاقی<sup>13</sup> متنوع و گوناگون هستند (جافی و هیده، 2000)، مطالعات اخیر حاکی از آن است که این تفاوت‌های جنسیتی سیستماتیک در واکنش به معضلات اخلاقی<sup>14</sup> آسیب‌رسان، برای رسیدن به رفاه و بهزیستی است (فوماگالی<sup>15</sup> و همکاران، 2010).

به نظر می‌رسد که بسیاری از روشنفکران و افراد غیرمتخصص در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های بین زنان و مردان بدون ارزیابی‌های دقیق به بیان آراء خود پرداخته، به طوری که فعالیت‌های شناختی را بیشتر مردانه و فعالیت‌های احساسی را زنانه می‌دانند. این در حالی است که عده دیگر این تفاوت‌ها را اغراق‌آمیز دانسته و بدون مطالعه رد می‌کنند. روانشناسی بسیاری از حوزه‌های مورد مطالعه مربوط به این تفاوت‌ها را در بر می‌گیرد و در این بین، حوزه اخلاقی استثنا نبوده، چراکه در تعاملات اجتماعی و انسانی، اخلاق و قضاوت‌های اخلاقی<sup>1</sup> از اهمیت بسزایی برخوردار است و این علم با تمرکز بر فرایندهای ذهنی می‌تواند پیچیدگی رفتار اخلاقی را تحلیل و بررسی نماید (عثمان و وایگمن<sup>2</sup>، 2017). هرچند روانشناسی رفتار اخلاقی را نتیجه تفکر و شناختی عمیق قلمداد می‌کند با این حال می‌توان گفت که تنها یک بخش عادی از زندگی محسوب می‌گردد (واکر، فریمور و دانلوب<sup>3</sup>، 2010) به همین علت قضاوت‌های اخلاقی به موضوع اصلی تحقیق در شناخت اجتماعی تبدیل شده و ظهور علم روانشناسی اخلاق نشان از این دارد که اکثر قواعد اخلاقی نتیجه فرایندهای خودکار ذهن است (اسکنال، هایدت، کالر و جردن<sup>4</sup>، 2008). گیلیگان<sup>5</sup> (1982) در استدلال معروف خود عنوان کرد که اخلاق مردانه بیشتر شناختی و غیرشخصی بوده،

6. Moral Decision Making

7. Bjo'Rklund

8. Aldrich & Kage

9. Zamzow & Nichols

10. Banerjee, Huebner & Hauser

11. Jaffee & Hyde

12. Seyedsayamdost

13. Moral Reasoning

14. Moral Dilemmas

15. Fumagalli

1. Moral Judgments

2. Osman & Wiegman

3. Walker, Frimer & Dunlop

4. Schnall, Haidt, Clore & Jordan

5. Gilligan

تصمیم اخلاقی را از یک دیدگاه احساسی، بین فردی و شخص اول می‌گیرند. گیلیگان می‌گوید کلبرگ تصور می‌کرده که زنان در مرحله سوم از مراحل اخلاقی متوقف شده در حالی که مردان اغلب به سمت اصول انتزاعی اخلاقی حرکت می‌کنند. همچنین او دریافت که افراد مورد مطالعه کلبرگ همه پسران نوجوان بودند (گلیکان، 1982).

تئوری اخلاق جنسیتی گیلیگان محرک انجام تحقیقات زیادی در سال‌های بعد گردید که برخی از آن‌ها در راستای تأیید نظریه و برخی دیگر در جهت رد نظریه برآمدند. در نهایت جافی و هیده در سال 2000 با انجام یک فراتحلیل از بررسی‌های انجام گرفته، اعلام کردند که تفاوت‌های جنسیتی در گرایش‌های اخلاقی بسیار کوچک و غیرقابل توجه است (فریسدورف، کانوی و گاورونسکی، 2015). این نتایج غیر منسجم و متناقض نشان‌دهنده لزوم انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه بوده همچنین نباید عدم تفاوت‌های جنسی در گرایش به مراقبت و یا عدالت را با فقدان کلی جنسیت در روانشناسی اخلاق جایگزین کرد، چراکه محتمل است تفاوت‌های جنسی در پردازش‌های عاطفی و شناختی اثرگذار باشد پس می‌توان گفت با اینکه انواع اخلاق گلیکانی نمی‌تواند نقشه کاملی در این راه قرار گیرد اما با مفاهیم جدیدتر و تأکید بر مشارکت متمایز فرایندهای شناختی و عاطفی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی می‌توان گام‌های اساسی در این حوزه برداشت (گرین و هیت، 2002).

با اینکه در پانزده سال گذشته مطالعات متعددی در این حیطه و با محوریت عوامل فردی و جنسیتی انجام گرفته (فریسدورف، کانوی و گاورونسکی<sup>1</sup>، 2015) اما هنوز ابهاماتی وجود دارد که این اختلاف‌ها در ارزیابی‌های شناختی مربوط به نتایج عملی و عاطفی است و یا ترکیبی از این دو است. لذا هدف این پژوهش فراتحلیل یک رویکرد تفکیکی برای تشریح ماهیت تفاوت‌های جنسیتی در پاسخ به معضلات و ابهامات اخلاقی است.

**تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی:** سال‌هاست که زمینه روانشناسی اخلاقی تحت تأثیر رویکرد عقل‌گرایانه لارنس کلبرگ قرار گرفته که مسیر پیشرفت اخلاقی در جهت کاربرد اصول عقلانی اخلاق انتزاعی را در شش مرحله توصیف نموده و توسعه اخلاقی را با دستیابی به حس عدالت و انصاف مورد توجه قرار داده است (کلبرگ<sup>2</sup>، 1969). پس از او کارول گیلیگان با این نظر که اخلاق را مصادره شده به نفع مردان می‌دانست، به مخالفت پرداخته و معتقد بود که مردان روش‌شناختی، انتزاعی و غیر فردی از تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را ترجیح داده و اخلاق عدالت محور را دنبال می‌کنند در حالی که زنان اخلاق مراقبت و تصمیم‌گیری مبتنی بر روابط پیوندی و احساسی با دیگران را مدنظر قرار می‌دهند. به عبارتی مردان معمولاً تصمیمات اخلاقی را از منظر فردی، شخص‌گرایانه و شخص ثالث اتخاذ کرده ولی زنان برعکس، معمولاً

1. Friesdorf, Conway & Gawronski,

2. Kohlberg

3. Greene & Haidt

عبارتی در تضاد با یکدیگر نبوده و مکمل هم هستند (نیکولز و مالون<sup>8</sup>، 2006؛ پاکستون و گرین، گرین، 2010) هرچند ممکن است که در زندگی واقعی روزانه این دو فرایند، لزوماً در تعامل با یکدیگر نباشند (پاکستون و گرین، 2010). شواهد حاکی از آن است که رد اقدامات آسیب‌زننده در معضلات اخلاقی با فرایندهای عاطفی ارتباط داشته و قبول این‌گونه اعمال از جانب افراد، مربوط به فرایندهای شناختی و برای رسیدن به حداکثر نتیجه است به‌طوری که این قضیه قضاوت‌های جنجالی بسیاری را در رابطه با تنگناهای اخلاقی آسیب‌رسان به دنبال داشته است (آمیت<sup>9</sup> و گرین، 2012؛ بارتلت<sup>10</sup>، 2008) و برخی افراد برای کاهش عواطف منفی ناشی از این تصمیمات، حتی سودمندی کمتری را ترجیح دادند (استروهمینگر، لیوایس و مایر<sup>11</sup>، 2011) یعنی می‌توان گفت که تصمیمات عقلانی‌تر، به احتمال بیشتری قضاوت‌های سودمند را به دنبال خواهد داشت (گرین و همکاران، 2008). بهتر این است که بگوییم پردازش دوگانه اخلاقی لزوماً یک مدل از نیروهای مخالف نیست بلکه دو مسیر است که خودمحوری و یا دیگر محوری را دنبال کرده و اگر این دو بتوانند در هماهنگی کامل با یکدیگر کار کنند، دیگر محوری ارتقاء یافته و انعطاف‌پذیری و رشد انسانی را هر چه بیشتر پیش رو خواهد داشت (زهو، هاوک و چانگ<sup>12</sup>، 2018) و آنچه در راستای توسعه اخلاقی بیشتر

چراکه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی مبتنی بر هم‌گرایی پیچیده عاطفه و شناخت است (پترسون، روتستین و باربی<sup>1</sup>، 2012؛ دستی و کاول<sup>2</sup>، 2011).

**نظریه پردازش دوگانه:** برخی از محققان مدل‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که هدف آن‌ها دو رویکرد شناختی و عاطفی در اخلاق، هرچند به‌عنوان نیروهایی با اهداف متناقض را شامل می‌شود (گرین، سامرویل، نیستروم، دارلی و کوهن<sup>3</sup>، 2001؛ پاکستون<sup>4</sup> و گرین، 2010). این نظریه مربوط به نتیجه‌گیری‌های شناختی و عاطفی در فرایندهای اجرایی دخیل در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بر اساس چگونگی فعالیت مناطق متمایز مغز در هنگام تصمیم‌های اخلاقی است (گرین، مورلی، لونبرگ، نیستروم و کوهن<sup>5</sup>، 2008) و بدیهی است به لحاظ اینکه انواع متفاوتی از استدلال را دسته‌بندی کرده و در نظر می‌گیرد، مسیر درستی را در پیش گرفته است (کروگلانسی و گیگزرنز<sup>6</sup>، 2011). با توجه به مدل پردازش دوگانه<sup>7</sup>، فرایندهای شناختی با تأکید بر تحلیل‌های هیأت استدلال منطقی خواهان سودمندی بیشتر بوده، در عوض یک فرایند عاطفی موجبات نگرانی در مورد افراد و حقوق و رفاه آنان در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را میسر می‌سازد به

1. Patterson, Rothstein & Barbey
2. Decety & Cowell
3. Greene, Sommerville, Nystrom, Darley & Cohen
4. Paxton
5. Greene, Morelli, Lowenberg, Nystrom, & Cohen
6. Kruglanski & Gigerenzer
7. Dual-Process Model

8. Nichols & Mallon.

9. Amit

10. Bartels

11. Strohminger, Lewis & Meyer

12. Zhu, Hawk & Chang

برتوز<sup>11</sup>، 2006) و مسلم است که مردان، به ویژه در موضوعاتی که منجر به صدمات فیزیکی آسیب‌رسان می‌شود، قضاوت‌های سودمندتر و عقلانی‌تر را نسبت به زنان ترجیح خواهند داد (فوماگالی و همکاران، 2010).

به‌طور کلی می‌توان گفت که ذهن مردان افکار پرخاشگرانه بیشتر داشته و ذهن زنان نگران‌تر به نظر می‌رسد (کرت و دیجلدر<sup>12</sup>، 2013؛ زیبرک، هویت، رولند و مکدونل<sup>13</sup>، 2015) که در نتیجه این گوناگونی، مردان به سمت رفتارهای مردانه ابزار، تضاد و رقابت‌جویی متمایل شده اما زنان به سوی رفتارهای همدلانه، بیانی و مراقبت‌کننده کشیده خواهند شد (لیبر<sup>14</sup>، 2015). رابطه بین همدلی و اخلاق به خوبی شناخته شده است (دستی و کاول<sup>15</sup>، 2015) به این معنی که انگیزه اصلی برای رفتارهای اجتماعی و حمایت از دیگران همدلی بوده و از پایه‌های اساسی در اخلاق محسوب می‌گردد (اسکوبار، هیوب، دستی، سدنو، مسو و بیز<sup>16</sup>، 2014) با این وجود قضاوت اخلاقی سازنده و سودمند، همدلی، احساسات متعادل و همچنین فرایندهای شناختی هم‌زمان را بیشتر می‌طلبد (پاتیل و سیلانی<sup>17</sup>، 2014؛ گلیشگرد و یونگ<sup>18</sup>، 2013) چراکه پاسخ‌های عاطفی و همدلانه پایین

اهمیت دارد انگیزه عمل اخلاقی و همراهی عاطفه و شناخت است (گیبس<sup>1</sup>، 2013).

با وجود شواهد ضعیف در مورد تفاوت‌های جنسیتی در جهت عدالت و مراقبت، مدل فرایند دوگانه یک دیدگاه جدید در مورد تفاوت‌های جنسیتی در روانشناسی اخلاقی ارائه داد که اساس آن تفاوت‌های ناشی از نوع پردازش اطلاعات است. این مدل تفاوت‌ها در همدلی (اسنبرگ<sup>2</sup>، 2005؛ بارون کوهن ویلرایت<sup>3</sup>، 2004) و سایر کارکردهای علت قضاوت اخلاقی مانند احساسات (آلمان و سوارت<sup>4</sup>، 2008؛ هارلی، شومارت و هس<sup>5</sup>، 2009) و ساختارهای متمایز مغزی مربوط به این عوامل (کاهیل<sup>6</sup>، 2006) را تشریح کرده است.

مطالعات اخیر حاکی از این است که تمایل زنان برای تجارب عاطفی و احساسی نسبت به مردان بالاتر بوده (برودی و حال<sup>7</sup>، 2000؛ فیسچر و منستید<sup>8</sup>، 2000) و بیشتر توسط پیام‌های احساسی تحت تأثیر قرار گرفته و متقاعد می‌گردند (میر و تورمالا<sup>9</sup>، 2010) همچنین تبصر بیشتری در تشخیص حالات عاطفی دیگران داشته (هال و اشمید مست<sup>10</sup>، 2008) که این ویژگی، پاسخ‌دهی بهتر در زمان کوتاه‌تر را نسبت به مردان در بر خواهد داشت (کلینسمیت، بیانچی-برتوز و

11. Kleinsmith, Bianchi-Berthouze & Berthouze  
12. Kret & De Gelder  
13. Zibrek, Hoyet, Ruhland & McDonnell  
14. Leaper  
15. Decety & Cowell  
16. Escobar, Huepe, Decety, Sedeno, Messow & Baez,  
17. Patil & Silani  
18. Gleicherrcht & Young

1. Gibbs  
2. Eisenberg  
3. Baron-Cohen And Wheelwright  
4. Aleman & Swart  
5. Hareli, Shomrat & Hess  
6. Cahill  
7. Brody & Hall  
8. Fischer & Manstead  
9. Meyer & Tormala  
10. Schmid Mast

قلمداد می‌کنند (فریستورف، کانوی و گاورونسکی، 2015).

بسیاری از تئوری‌ها در مورد جنسیت و اخلاق مبتنی بر تئوری جامعه‌پذیری است بدین معنی که زنان برای دستیابی به مطلوبیت اجتماعی بیشتر، اقدامات اخلاقی را کمتر رد کرده و بیشتر پذیرای آن بوده چراکه در این صورت تأیید دیگران بیشتر شامل حال آن‌ها می‌شود اما مردان برعکس، برای اینکه رقابتی‌تر و تهاجمی‌تر به نظر برسند کمتر خود را ملزم به انجام اعمال اخلاقی دانسته و بیشتر به رد این‌گونه اعمال می‌پردازند (مکاب، اینگرام و داتون<sup>1</sup>، 2006). به عبارتی زنان بیشتر از مردان درگیر مدیریت تصور دیگران از خود بوده و شاید محرک این مدیریت برداشت سخت‌گیرانه وجود ویژگی‌های بیولوژیکی متفاوت در زنان و مردان است که در نهایت تأیید طلبی و مطلوبیت بیشتر اجتماعی را در بر خواهد داشت (بیکر و اولستاد<sup>2</sup>، 2007).

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که رفتارهای غیرعادی عاطفی مردان با وجود تفاوت‌های جنسیتی خیلی متفاوت از زنان نبوده و این احتمال وجود دارد که شاید این اختلافات به‌طور اغراق‌آمیز، توجه زیادی را به خود جلب کرده است (کارلو، پادیلا - واکر و نلسون<sup>3</sup>، 2015) و تأکید مضاعف بر کلیشه‌های جنسیتی است که باعث شده زنان نسبت به مردان اجتماعی‌تر و با اخلاق‌تر به نظر برسند

ممکن است توجیه‌کننده اقدامات مضر و آسیب‌رسانی که حداکثر سود و رفاه را برای سود جویان اخلاقی در پی دارد، باشد (گلیشگرد و یونگ، 2013).

مطالعات بیشتر در این زمینه نشان داد که هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم و حیاتی، مردان بیشتر از اینکه دیگران را در معرض خطر و آسیب قرار دهند دست به انتخاب‌های عملی زده و «عمل‌گرا» تر به نظر می‌رسند (ایسنبرگ، 2005). ابهامات موجود در این زمینه را نمی‌توان به راحتی با رویکردهای سنتی حل و فصل کرد چراکه تفاوت‌ها در این ترجیحات نسبی افراد می‌تواند متأثر از تمایلات فایده‌گرایانه قوی‌تر در مردان و یا تمایلات احساسی غیرمستقیم قوی‌تر در زنان و یا ترکیبی از این دو باشد به طوری که در یک تجزیه تحلیل عمیق‌تر از عواطف و شناخت در دو جنس نشان داده شد که زنان در پارامتر تمایلات غیر آزار شناسی بسیار از مردان بالاتر بودند در حالی که مردان در تمایلات سودمندی تنها مقدار کمی بالاتر از زنان داشتند و این نشان‌دهنده واریانس بیشتر عواطف و نقش کمتر ارزیابی‌های شناختی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است به عبارتی هنگام مواجهه با معضل اخلاقی هم زنان و هم مردان متمایل به استفاده از درجات مشابهی از پردازش‌های سودمند گرایانه هستند اما زنان درگیری‌های عاطفی نیز دارند. همچنین دیده شده که زنان درک معضلات نامفهوم نسبت به مردان بدتر عمل کرده و تصمیم‌گیری در مورد آن را نیز سخت‌تر

1. McCabe, Ingram & Dato-On

2. Becker & Ulstad

3. Carlo, Padilla-Walker & Nielson

تحقیقات مجزا و برگرداندن آنها به یک ماتریس مشترک (عمومی) و آنگاه ترکیب آنها برای دستیابی به میانگین تأثیر است. اندازه اثر نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور پدیده‌ای در جامعه است. حجم اثر مفهوم اصلی در فراتحلیل است و مقدار رابطه میان یک متغیر و متغیر دیگر را به شیوه استاندارد نشان می‌دهد.

جامعه آماری مطالعه حاضر عبارت است از تمام پژوهش‌های انجام و چاپ شده در رابطه با تفاوت‌های جنسیت در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی که به لحاظ روش‌شناسی از شرایط لازم برخوردار بوده و در بازه زمانی ده سال اخیر منتشر شده‌اند.

ملاک‌های ورود به این فراتحلیل عبارت بودند از: الف - موضوع پژوهش در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی باشد. ب - دارای شرایط لازم از نظر روش‌شناسی (فرضیه‌سازی، روش تحقیق، جامعه، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، مفروضه‌های آماری و محاسبات صحیح) باشد. ج - نتایج از طریق سایت‌های معتبر قابل دسترسی باشد.

**جمع‌آوری داده‌ها:** که با استفاده از کلیدواژه‌های *moral judgments*, *moral reasoning*, *making decision*, *moral dilemmas* و جست و جو در سایت‌های *pub*, *science direct*, *springer* انجام گرفت و مطالعات گوناگونی بررسی شد که نهایت 15 مقاله که شرایط لازم را داشتند، انتخاب شده و وارد تحلیل گردیدند.

(لوپز - سیز، مورالس و لیسبونا<sup>1</sup>، 2008). دیگر اینکه، در بسیاری از مطالعات خیلی به این تفاوت‌ها پرداخته نشده و جنسیت بیشتر به‌عنوان یک متغیر کنترل در نظر گرفته شده و اثر آن نادیده انگاشته شده است و سؤال مهم‌تر این است که تفاوت‌های نشان داده شده مربوط به عوامل درونی است و یا خطاهای انجام گرفته در فرایند عملیاتی پژوهش؟ هدف از این پژوهش هم‌گرایی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه و رسیدن به این موضوع که تفاوت‌های جنسیت در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی اثرگذار بوده یا خیر.

#### روش

**روش پژوهش و نمونه‌ها:** در این پژوهش با توجه به هدف پژوهش از روش فراتحلیل استفاده شده است. فراتحلیل ترکیب آماری داده‌هایی از مطالعات جداگانه اما مشابه و قابل قیاس است که به خلاصه‌ای کمی از یافته‌ها منجر می‌شود (پورتا<sup>2</sup> و همکاران به نقل از شهریاری، زارع، علی‌اکبری دهکردی و سرامی فروشانی، 1397) همچنین این روش‌های آماری کمک می‌کنند تا جمع‌بندی اطلاعات مقالات مختلف و خلاصه نمودن آنها بدون تأثیرپذیری عینی از نظرات شخصی صورت پذیرد (حق‌دوست و همکاران به نقل از شهریاری و همکاران، 1397). در فراتحلیل اصل اساسی عبارت است از محاسبه اندازه اثر برای

1. Lopez-Saez Lopez-Saez, Morales & Lisbona,  
2. Porta

ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود. به عبارتی فراتحلیل مرکب است از:

1- یک جستجوی فراگیر برای تمامی مدارک موجود

2- بکارگیری معیارهای روشن برای تعیین مقالات قابل شمول

3- تعیین یک اندازه اثر برای هر پژوهش

4- یکی کردن اندازه‌های اثر تا رسیدن به یک برآورد کلی از تأثیر یک رفتار (استرینر<sup>1</sup>، 2003).

روش به کار گرفته شده در این فراتحلیل ترکیب اندازه‌های اثر جهت بررسی میزان یا درجه حضور متغیر مورد بررسی و مشخصه آماری کوهن<sup>2</sup> است که توسط CMA-2<sup>3</sup> اجرا شد. مراحل کار به این صورت بود که ابتدا از روش محاسبه اندازه اثر تفکیکی برای هر مطالعه، اندازه اثر خلاصه با مدل اثر تصادفی برای مجموع مطالعات و آزمون‌های تشخیص ناهمگنی استفاده شد. آزمون Q کو کران برای تشخیص معناداری ناهمگنی و به علت عدم تأثیرپذیری شاخص مجذور I از حجم نمونه در فراتحلیل (مصرآبادی، 1395)، جهت تعیین میزان ناهمگنی از این شاخص استفاده شد. در فراتحلیل لازم است که علاوه بر ناهمگنی سوگیری انتشار نیز بررسی شود که با استفاده از نمودار قیفی<sup>4</sup> این عمل انجام گرفت و نیز داده‌های پرت و افراطی شناسایی و حذف شدند.

جهت گردآوری داده‌ها نیز از یک فرم تدوین شده استفاده شد.

**تحلیل:** برای محاسبه از روش فراتحلیل استفاده شده است. در تحقیق فراتحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌های و یافته‌ها از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند (دلاور، 1384). در روش فراتحلیل می‌توان با تجزیه و تحلیل درست متون گذشته به نتیجه‌گیری‌هایی ملموس دست یافت. هدف روش فراتحلیل ترکیب تحقیقات گذشته و یک دست کردن آن با استفاده از روش‌های آماری است. با این شیوه می‌توان به راحتی تحقیقات انجام شده را، ولو با تفاوت‌های بسیار، با هم مقایسه کرد و از میان نتایج پراکنده و ناهماهنگ پژوهش‌ها، دقیق‌ترین و منطقی‌ترین نتیجه را به دست آورد. به عبارتی فراتحلیل با نگاه تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد که تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد و به پژوهشگر این امکان را بدهد که داده‌های به دست آمده از بررسی چندین مطالعه را با هم ترکیب کند و به نتایج جامع‌تری برسد (سلیمی و مکنون، 1397).

در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود. سپس مسئله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه اثر تبدیل می‌شود. درنهایت، اندازه اثرها با هم

1. Streiner

2. Cohen

3. Comprehensive Meta Analysis

4. Chart Funnel



جدول 1. مشخصات پژوهش‌های انجام شده در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

ردیف	سال	عنوان	پژوهشگر	تعداد نمونه	معناداری	اندازه اثر
1	2012	judgments modulates moral Testosterone administration depending on second-to-fourth digit ratio	Estrella et al.	20	0/001	0/99
2	2010	Socialization and Individual Antecedents of Adolescents' and Young Adults' Moral Motivation	Tina Malti & Marlis Buchmann	1056	0/001	0/84
3	2016	Effect of Intuition and Moral Decision-Making- The on Moral Judgment Time Pressure and Cognitive Load and Altruistic Behavior	Gustav Tinghög et al.	1400	0/001	0/068
4	2008	Neural Correlates of Stereotype Application	Jason P. et al.	17	0/05	0/48
5	2010	Gender-related differences in moral judgments	Fumagalli et al.	100	0/05	
6	2018	Prosocial Behavior in Adolescence: Gender Differences in Development and Links with Empathy	Jolien Van der Graaff	497	0/001	
7	2017	Men, women...who cares? A population based study on sex differences and gender roles in empathy and moral cognition	Sandra Baez et al.	334	0/001	
8	2017	Gender differences in moral judgment and the evaluation of gender-specified moral agents	Valerio Caprao	532	0/6775	
9	2012	Different types of moral cognition: Moral stages versus moral foundations	Galen.L. et al.	117		
10	2014	Adolescents' and young adults' moral thinking in typical everyday-life moral dilemmas	Daisue Akiba et al.	42	0/001	0/28
11	2015	Differences in Biases and Compensatory Strategies Across Discipline, Rank, and Gender among University Academics	Vincet Giorgii et al.	63	0/05	0/38
12	2014	Counterfactual thinking in moral judgment: an experimental study	Simone Migliore et al.	90		
13	2016	Effects of Suboptimally Presented Erotic Pictures on Moral Judgments: A Cross- Cultural Comparison	Antonio Oliver-LaRosa et al.	224	0/05	0/02
14	2016	Empathy Mediates the Effects of Age and Sex on Altruistic Moral Decision Making	Jan B. Rosen et al.	122	0/517	0/013
15	2014	Empathy as factor of moral dilemma solving in Adolescence	S. molchanov	346	0/01	0/46

بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده: آزمون Q استفاده شده است. نتایج حاصل از یکی از مفروضات اصلی فراتحلیل، آزمون همگنی مطالعات است که به‌منظور بررسی این مفروضه از بررسی این آزمون در جدول 2 ارائه شده است.

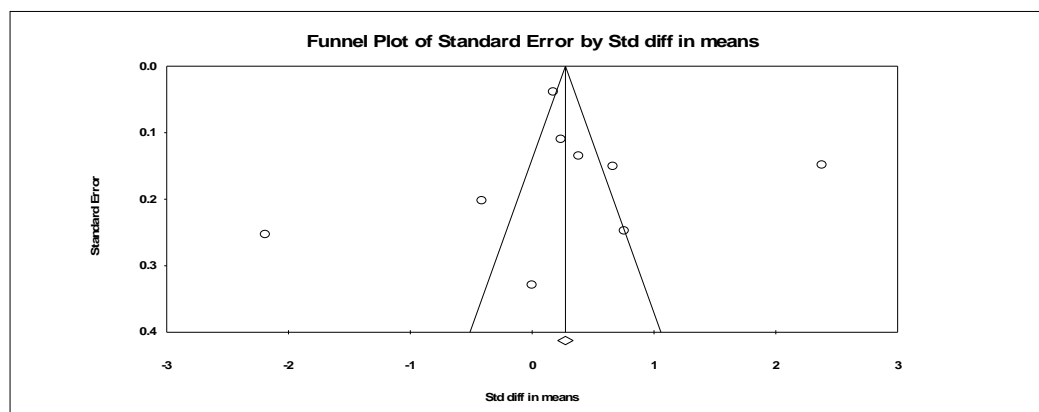
جدول 3. نتایج حاصل از آزمون همگنی (Q) برای تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

I-Squared	سطح معنی‌داری	درجه آزادی df	مقدار آزمون (Q)	شاخص آماری
97/54	0/001	8	326/094	نتیجه

نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است. نتایج حاصل از ضریب مجذور I در این پژوهش نشان می‌دهد که حدوداً 97/54% از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی آن‌ها مربوط است. درواقع این آزمون به ما می‌گوید که اندازه اثر جنسیت بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، به لحاظ ویژگی‌های و مشخصات مطالعات متفاوت هستند.

**1. نمودار کیفی:** نمودار کیفی از رایج‌ترین روش‌ها به‌منظور بررسی خطای انتشار است. در شکل شماره 1، وضعیت سوگیری انتشار مقالات، با استفاده از نمودار کیفی ارائه گردیده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ( $p = 0/001$ ) فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام‌شده رد و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. به بیانی دیگر، میزان شاخص Q نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های مورد بررسی است، اما از آنجاکه این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس بوده و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می‌رود، مجذور I شاخص دیگری است که به همین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضریب مجذور I دارای مقداری از صفر تا 100% است و درواقع، مقدار ناهمگنی را به‌صورت درصد نشان می‌دهد. هرچه مقدار این ضریب به 100 درصد



نمودار 1. نمودار کیفی شکل فراتحلیل تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

باید برای این منظور از آزمون‌های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر و آزمون همبستگی بگ و مزومدار) استفاده شود. در این روش فرض صفر

نتایج حاصل از نمودار کیفی وارونه تقریباً تداعی‌کننده تقارن نسبی مطالعات انجام‌شده است، اما قضاوت صریحی در این مورد نمی‌توان انجام داد و

اثرها را مشخص می‌کند. مقدار صفر در این ضریب، دلیل بر نبود رابطه بین اندازه اثر و دقت است و انحراف از صفر گویای وجود رابطه است. اگر عدم تقارن ناشی از سوگیری انتشار باشد، انتظار این است که در ارتباط با اندازه اثر بزرگ‌تر، خطای استاندارد بیشتر مشاهده شود. نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی بگ و مزومدار، به‌منظور بررسی سوگیری انتشار به شرح جدول 4 است.

(H0) بیانگر متقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار و فرض خلاف (H1)، بیانگر عدم تقارن نمودار کیفی و سوگیری انتشار است. بر این اساس، می‌توان گفت که مطالعات دارای سوگیری انتشار نیست.

**2. نتایج همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار:** آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار، همبستگی رتبه‌ای (تاوکندال) بین اندازه اثر استاندارد و واریانس این

جدول 4. نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (tau)	Z-Value	سطح معنی‌داری (P-Value)
نتایج	0/813	8/473	0/001

**3. ضریب اندازه اثر:** میزان تأثیر همگرایی تحقیقات انجام شده در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی چقدر است.

بر اساس بررسی‌های انجام شده در نهایت 9 مطالعه که امکان ترکیب داشتند انتخاب شده و تحلیل انجام گرفت:

بر طبق اطلاعات جدول فوق، مقدار تائو کندال بی برابر با 0/813 شده است که با توجه به مقدار معناداری (P=0/001) می‌توان اذعان داشت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت رابطه وجود دارد، اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار در مورد مطالعات رد می‌گردد.

جدول 5. اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

ردیف	نام مطالعه	اندازه اثر	ارزش z	سطح معناداری
1	Estrella	0/001	0/001	1
2	Tina Malti	0/172	4/514	0/001
3	Gustav Tingho	0/843	16/027	0/001
4	M. Fumagalli.1-2	0/794	3/820	0/001
5	Jolien Van der	0/567	2/779	0/005
6	Sandra Baez	0/067	0/615	0/538
7	Galen L. Baril	0/756	0/056	0/002
8	Antonio Olivera-La Rosa	0/031	0/229	0/819
9	Jan B. Rosen1	0/103	0/631	0/528
	کل	0/221	6/853	0/001

پژوهش انجام شده بیشترین اندازه اثر محاسبه شده مربوط به پژوهش شماره 3 (Gustav Tingho) است که دارای اندازه اثر 0/843 است و پژوهش شماره 4 (M. Fumagalli.1-2) که دارای اندازه اثر 0/794 و پژوهش شماره 7 (Galen L. Baril) که دارای اندازه اثر به میزان 0/756 است در رتبه بعدی قرار دارد.

**تحلیل پیامدهای چندگانه:** در این تحقیق چون بیشتر از یک متغیر وابسته در برخی از تحقیقات و مطالعات انجام شده وجود داشت، لذا در این شرایط، تحلیل متغیرهای پیامد یا وابسته چندگانه می‌توان ارائه داد.

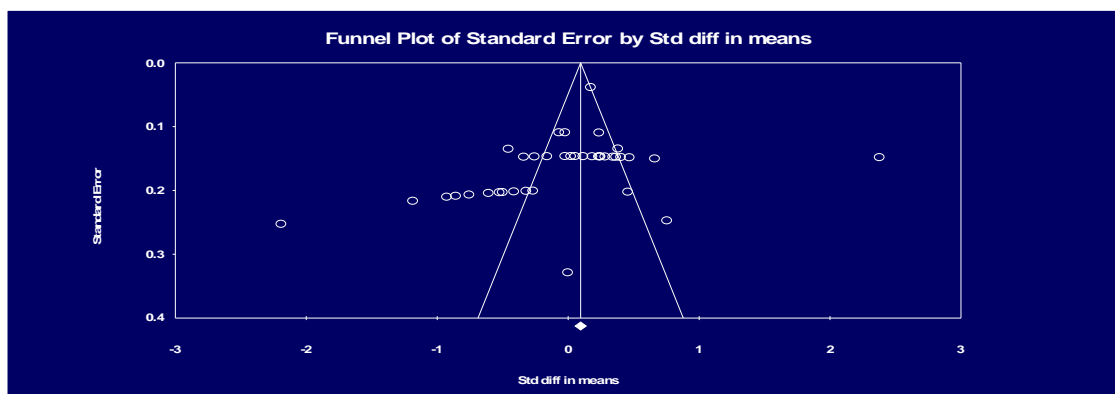
در تمام تحقیقات موجود در نمونه در حوزه تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی با توجه به مدل ثابت اندازه اثر محاسبه شد که بعد از ترکیب مطالعات مقدار اندازه اثر کلی این 9 مطالعه تحت مدل ثابت برابر با 0/221 به دست آمد که با اطمینان در فاصله حد پایین 0/158 و حد بالای 0/284 قرار دارد. این مقدار اندازه اثر طبق تفسیر ملاک کوهن مقدار بالایی است. مقدار Z مربوط به این اندازه اثر برابر با 6/853 است که با احتمال کمتر از 0/05 ( $p = 0/001$ ) معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نتایج به دست آمده از ترکیب این 9 مطالعه دارای اندازه اثر معناداری هستند. از میان 9

جدول 1. نتایج حاصل از آزمون همگنی (Q) برای تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

I-Squared	سطح معنی‌داری	درجه آزادی df	مقدار آزمون (Q)	شاخص آماری
93/304	0/001	37	552/558	نتیجه

حدوداً 93/34% از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی آن‌ها مربوط است. در واقع این آزمون به ما می‌گوید که اندازه اثر جنسیت بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، به لحاظ ویژگی‌های و مشخصات مطالعات متفاوت هستند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ( $p = 0/001$ ) فرض صفر مبنی بر همگنی بودن مطالعات انجام‌شده رد و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. نتایج حاصل از ضریب مجذور I در این پژوهش نشان می‌دهد که



نمودار 1. نمودار کیفی شکل فراتحلیل تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

**جدول 1.** نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (tau)	Z-Value	سطح معنی‌داری (P-Value)
نتایج	0/519	4/434	0/001

بر طبق اطلاعات جدول فوق، مقدار تائو کندال بی برابر با 0/519 شده است که با توجه به مقدار معناداری ( $P=0/001$ ) می‌توان اذعان داشت که اگرچه بین اندازه اثر و دقت رابطه وجود دارد، اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار در مورد مطالعات رد می‌گردد.

**جدول 3.** اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به تفکیک زیر مؤلفه‌های متغیرها

ردیف	نام مطالعه	زیر مؤلفه‌های مورد مطالعه	اندازه اثر	ارزش z	سطح معناداری
1	Jan B. Rosen1	Errors	0/24	1/66	0/097
2	Jan B. Rosen1	Perseverations	-0/16	-1/08	0/280
3	Jan B. Rosen1	Emotional concern	-0/25	-1/73	0/084
4	Jan B. Rosen1	BDI-II	0/19	1/27	0/206
5	Jan B. Rosen1	DEMTECT	0/24	1/6	0/109
6	Jan B. Rosen1	E-Scale Cognitive sensitivity	0/37	2/48	0/013
7	Jan B. Rosen1	IRI empathic concern	0/40	2/73	0/006
8	Jan B. Rosen1	IRI perspective taking	0/25	1/69	0/091
9	Jan B. Rosen1	Key search test	0/06	0/377	0/706
10	Jan B. Rosen1	LPS-4 normed scorec	-0/34	-2/28	0/022
11	Jan B. Rosen1	LPS-4 raw score	0/02	0/161	0/872
12	Jan B. Rosen1	MCST Correct	0/34	2/33	0/019
13	Jan B. Rosen1	MWT-Bb	0/47	3/17	0/001
14	Jan B. Rosen1	RMET	0/12	0/794	0/426
15	Jan B. Rosen1	SDS-17	0/02	-0/150	0/88
16	Antonio Olivera-La Rosa	Antonio Olivera-La Rosa.1	0/38	2/84	0/004
17	Antonio Olivera-La Rosa	Antonio Olivera-La Rosa.2	-0/45	-3/35	0/007
18	Jan B. Rosen1	Depression	0/28	1/93	0/054
19	Jan B. Rosen1	E-Scale Emotional sensitivity	0/66	4/41	0/001
20	Estrella	Estrella	0	0	1
21	Galen L. Baril	Galen L. Baril	0/76	3/06	0/002
22	Gustav Tingho	Gustav Tingho	2/38	16/03	0/001
23	Jolien Van der	Jolien Van der.age13	-0/41	-2/04	0/041
24	Jolien Van der	Jolien Van der.age14	-0/92	-4/39	.001
25	Jolien Van der	Jolien Van der.age15	-0/75	-3/64	.001

0/185	-1/32	-0/27	Jolien Van der.age16	Jolien Van der	26
0/010	-2/57	-0/52	Jolien Van der.age17	Jolien Van der	27
0/014	-2/46	-0/50	Jolien Van der.age18	Jolien Van der	28
0/001	-8/66	-2/19	M. Fumagalli.1-2	M. Fumagalli	29
0/001	-4/09	-0/86	M. Fumagalli.1-3	M. Fumagalli	30
0/024	2/26	0/46	M. Fumagalli1-1	M. Fumagalli	31
0/113	-1/58	-0/32	M. Fumagalli2-1	M. Fumagalli	32
0/001	-5/46	-1/18	M. Fumagalli2-2	M. Fumagalli	33
0/003	-2/96	-0/61	M. Fumagalli2-3	M. Fumagalli	34
0/030	-2/17	0/24	Sandra Baez.1	Sandra Baez	35
0/847	-0/193	0/02	Sandra Baez.2	Sandra Baez	36
0/538	0/617	0/07	Sandra Baez.3	Sandra Baez	37
0/001	4/51	0/17	Tina Malti	Tina Malti	38
0/001	4/43	0/1	اثر تصادفی	Jan B. Rosen1	

بیشترین و اندازه اثر در مطالعه Estrella (0/001) کمترین سهم را داشته است. در مجموع، میانگین اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به تفکیک زیر مؤلفه‌های متغیرها در نمونه مورد پژوهش معادل 0/1 هست، از آنجاکه اندازه اثر در محدوده اطمینان بوده، به لحاظ آماری معنی دار است.

همان‌طور که در جدول 5 مشاهده شد، اندازه اثر برای مدل با اثرات تصادفی 0/1 شده است. این که کدام یک از این دو اندازه اثر باید گزارش شود بستگی به همگنی یا ناهمگنی مطالعات تحت بررسی دارد که در ادامه بدان پرداخته شده است. در جدول 5 گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است. بررسی اندازه اثر نتایج حاصل از فراتحلیل نشان می‌دهد که ضریب اثر M. Fumagalli.1-2 با اندازه اثر (2/19)،

جدول 6. خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به تفکیک زیر مؤلفه‌های متغیرها

P-Value	Z-Value	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	شاخص
0/252	1/145	0/537	0/363	0/448	اندازه اثر ثابت
0/252	1/145	0/537	0/363	0/448	اندازه اثر تصادفی

اندازه اثر ناشی از فراتحلیل بر مبنای مدل کوهن اندازه‌گیری می‌شود (جدول 7).

در جدول 6 اندازه اثر مطالعات به تفکیک زیر مؤلفه‌ها و در اندازه‌های ثابت و تصادفی ارائه شده است. شدت اندازه اثر بر اساس نظام تفسیر

جدول 7. نظام تفسیر اندازه اثر ناشی از فراتحلیل در مدل کوهن

اندازه اثر	r	d
کم	0/1	0/2
متوسط	0/3	0/5
زیاد	0/5	0/8

بر اساس این مدل اندازه اثر اندازه اثر حاصل از تفاوت‌های جنسیتی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به تفکیک زیر مؤلفه‌های متغیرها در مقاله‌ها برابر با (0/095) در بازه اول ( $d = 0/2$ ) و کم است.

#### نتیجه‌گیری و بحث

همان‌گونه که نتایج تحلیل آماری فراتحلیل گزارش شده است، اندازه اثر ترکیبی مطالعات بر طبق معیار کوهن کم است. این نتیجه حاکی از آن است که عوامل دیگری در رابطه با جنسیت ممکن است در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دخیل باشند و این نوع از تصمیم‌گیری فقط تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی نیست. این نتایج را می‌توان همسو با بررسی انجام شده مربوط به سن و جنسیت با نقش واسطه‌ای همدلی دانست که تأکید ویژه‌ای بر سن افراد در این زمینه را نشان می‌دهد پس سن با اثر بر همدلی می‌تواند عاملی مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی در نظر گرفته شود با این توضیح می‌توان گفت که زنان در سنین بالاتر رفتارهای نوع‌دوستانه بیشتری را تجربه خواهند کرد (روزن، برند و کالب<sup>1</sup>، 2016).

یکی دیگر از عوامل مهم در این زمینه سطح تحصیلات افراد است و می‌توان گفت که افراد با

درجه علمی بالاتر در انجام عملکردهای اخلاقی کمتر از توصیه‌های دیگران بهره‌جسته و بر شناخت خود متمرکز بوده و در قضاوت‌های خود سعی دارند که چهره مناسب‌تری از خود را به نمایش گذاشته و در نگاه دیگران مثبت به نظر برسند به‌عنوان مثال اساتید که تصمیم‌های شفاف‌تری را اتخاذ کرده و نسبت به اقدامات خود پاسخگویی بیشتری داشته، بنابراین از نقش الگوهای مناسب‌تری پیروی خواهند کرد (جیورینی<sup>2</sup> و همکاران، 2016). مدا، توماس و بیبو<sup>3</sup> (2009) در مطالعات خود نشان دادند که سطح قضاوت اخلاقی در دانشجویان دانشکده‌های پزشکی بالاتر از دانشجویان مشغول به تحصیل در دیگر رشته‌ها است که در توضیح این مطلب می‌توان گفت که شاید چنین آموزش‌هایی که افراد را برای حرفه‌ای خاص تربیت می‌کنند، در حقیقت به‌عنوان یک کار مؤثر بر سطح قضاوت اخلاقی افراد عمل خواهد کرد (بیبو مونسون<sup>4</sup>، 2008).

سن نیز از عواملی است که می‌توان در این حیطه بدان اشاره کرد به‌طوری که تفاوت‌های جنسیتی اخلاقی در بزرگسالان جوان‌تر بیشتر نشان داده شده است و آنچه مهم است، تغییر این

2. Giorgini

3. Maeda, Thoma & Bebeau

4. Bebeau & Monson

1. Rosen, Brand & Kalbe

اخلاقی وجود ندارد. چراکه پردازش اطلاعات غیراخلاقی ممکن است بر قضاوت‌های اخلاقی مؤثر بوده به طوری که اولویت اخلاقی مردان را به سمت دستاوردهای سودمندان بیشتر سوق داده و زنان واکنش‌های عاطفی قوی‌تری نسبت به آسیب تجربه می‌کنند اما این بدان معنی نیست که شناخت و عقلانیت آن‌ها متفاوت است بلکه فقط احساسات در زنان پررنگ‌تر است (فرایسدورف و همکاران، 2015). هرچند به نظر می‌رسد که تفاوت‌های جنسیتی در واکنش‌های عاطفی نسبت به ایجاد آسیب است اما در مواجهه اخلاقی هم زنان و هم مردان درجات مشابهی از پردازش خود را درگیر می‌کنند و نه متمایز. به طور کلی، می‌توان گفت که فرآیندهای شناختی و عاطفی لزوماً با یکدیگر تضاد نداشته در عوض، ممکن است آن‌ها به طور هماهنگ برای ترویج محوریت یکدیگر در شرایط مختلف کار کرده و بهتر است به انعطاف‌پذیری رشد انسانی در مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی نسبت داده شوند (زهو، هاوک و چانگ، 2018).

محتوا نیز می‌تواند مستقیماً به اهمیت پیامدها در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی مربوط باشد مثلاً هنگامی که عواقب محدود است، آیا این عامل می‌تواند دلیلی برای مجاز بودن عمل محسوب گردد؟ تحت چه شرایطی و در چه زمانی اعمال غیراخلاقی انجام می‌گیرند؟ در جواب به این سؤالات می‌توان گفت که ممکن است زنان نسبت به مردان توانایی بیشتری در تشخیص و ارزیابی صحیح پیامدهای اقدامات اخلاقی و غیراخلاقی را داشته (بیکر و اولستاد،

تمایزها در سنین مختلف است (فومیگالی و همکاران، 2016). پس نمی‌توان گفت که تفاوت‌های جنسیتی به تنهایی می‌تواند تعیین‌کننده سطح قضاوت‌های اخلاقی باشد به طوری که حتی ممکن است دین، فرهنگ، کشور، آموزش،... نیز از عوامل مهم در این خصوص باشند با این همه خالی از تفاوت هم نیست، چراکه با وجود تمایز در الگوی عملکرد مغزی و انتقال‌دهنده‌های عصبی و نیز مسئله گرایش‌های جنسی به شغل‌های خاص، نگرش به رهبری و مدیریت و رفتارهای مجرمانه، صرف نظر از ملیت، فرهنگ، مذهب و سن نمی‌توان تفاوت‌هایی که در رفتار اخلاقی زنان و مردان هست را به طور کامل نادیده گرفت (فومیگالی و همکاران، 2010). دلایل تکاملی و یادگیری‌های اجتماعی را نیز باید اضافه کرد، چراکه در جوامع مدرن امروزی زنان نقش‌های اجتماعی بیشتری را نسبت به مردان بر عهده داشته که این موضوع هزینه‌های بیشتری را بری آن‌ها به دنبال داشته است (اگلی و کاریو<sup>1</sup>، 2002). از دیگر عوامل مهم و تأثیرگذار در این خصوص می‌توان به وجود ظرفیت حافظه کاری بالاتر در افراد (مور، کلارک و کان<sup>2</sup>، 2008) و داشتن زمان واکنش و پاسخگویی کافی در هنگام سناریوهای اخلاقی (گرین و همکاران، 2008) اشاره کرد.

اگرچه شواهد ادعاهای گیلیگان مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در مراقبت و عدالت نسبتاً ضعیف است (جافی و هاید، 2000) اما نمی‌توان گفت که تفاوت‌های جنسیتی در روانشناسی

1. Eagly & Karau

2. Moore, Clark & Kane



لازم است که مطالعات بیشتر به صورت میدانی انجام گیرد تا بتوان فاصله این دو را به کمترین میزان رساند؛ و دیگر اینکه لازم است که تحقیقات آینده، به دنبال بررسی دقیق‌تر چگونگی استفاده از مدل سنجش تصمیم‌گیری اخلاقی با توجه به تفاوت‌های موجود در زمینه، سطح و جنسیت باشد.

2007) و به همین دلیل با اخلاق‌تر به نظر می‌رسند.

با نظر به تمام مطالبی که در بالا گفته شد باید محدودیت‌های مربوط به موضوعات انتزاعی همچون اخلاق را مدنظر داشت، چراکه استدلال اخلاقی و عملکرد در محیط واقعی الزاماً یکسان نبوده و حتی می‌توانند دور از یکدیگر باشند. پس

### منابع

اضطراب عمومی: یک مطالعه مروری فراتحلیل». مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، 461-478.

سلامی، ج و مکنون، ر (1396). «فراتحلیل کیفی تحقیقات علمی با موضوع حاکمیت در ایران». فصلنامه پژوهش دولت، 10(33).

مصرآبادی، ج (1395). فراتحلیل: مفاهیم، نرم‌افزار و گزارش دهی. تبریز، 3-52.

شهریاری، ح؛ زارع، ح؛ علی‌اکبری دهکردی، م؛ سرمای فروشانی، غ (1397). «اثربخشی مداخلات شناختی - رفتاری در درمان اختلال

Aldrich, D. & Kage, R. (2003). "Mars and venus at twilight: a critical investigation of moralism, age effects, and sex differences". *Polit Psychol* 24:23-40.

sentiment and the flexibility of moral judgment and decision making". *Cognition*, 108, 381-417.

Amit, E. & Greene, J.D. (2012). "You see, the ends don't justify the means: Visual imagery and moral judgment". *Psychological Science*, 23, 861-868.

Banerjee, K., Huebner, B. & Hauser, M. (2010). "Intuitive moral judgments are robust across variation in gender, education, politics and religion: a large-scale web-based study". *J Cognit Cult* 10(3):253-281.

Aleman, A. & Swart, M. (2008). "Sex differences in neural activation to facial expressions denoting contempt and disgust". *PLoS One* 3:e3622.

Brody, L.R. & Hall, J.A. (2000). *Gender, emotion, and expression*. In M. Lewis & J. M. Haviland-Jones (Eds.), *Handbook of emotions: Part IV: Social/personality issues* (2nd ed., pp. 325-414). New York, NY: Guilford Press.

Bjo`rklund, F. (2003). "Differences in the justification of choices in moral dilemmas: effects of gender, time pressure and dilemma seriousness". *Scand J Psychol* 44:459-466.

Baron-Cohen, S. & Wheelwright, S. (2004). "The empathy quotient: an investigation of adults with Asperger syndrome or high functioning autism, and normal sex differences". *J Autism Dev Disord* 34:163-175.

Bartels, D.M. (2008). "Principled moral

- Becker, D.A. & Ulstad, I. (2007). "Gender Differences in Student Ethics: Are Females Really More Ethical? Plagiarism: Cross-Disciplinary Studies in Plagiarism". *Fabrication, and Falsification*, 77-91.
- Bebeau, M.J. & Monson, B.E. (2008). *Guided by theory, grounded in evidence: a way forward for professional ethics education*. In: Nucci LP, Narvaez D (Eds) *Handbook of moral and character education*. Routledge, New York, pp 557-582.
- Carlo, G., Padilla-Walker, L.M. & Nielson, M.G. (2015). "Longitudinal bidirectional relations between adolescents' sympathy and prosocial behavior". *Developmental Psychology*, 51, 1771.
- Cahill, L. (2006). "Why sex matters for neuroscience". *Nat Rev Neurosci* 7:477-484
- Decety, J., Michalska, K.J. & Kinzler, K.D. (2011). "The contribution of emotion and cognition to moral sensitivity: a neuro developmental study". *Cereb. Cortex* 22, 209-220.
- Decety, J. & Cowell, J.M. (2015). "Empathy, justice, and moral behavior". *AJOB Neurosci*. 6:3±14.
- Eagly, A. H. & Karau, S. J. (2002). "Role congruity theory of prejudice toward female leaders". *Psychological Review*, 109, 573-598.
- Eisenberg, N. (2005). "The development of empathy-related responding". *Nebr Symp Motiv* 51:73-117.
- Escobar, M.J., Huepe, D., Decety, J., Sedeno, L., Messow, M.K., Baez, S. & et al. (2014). "Brain signatures of moral sensitivity in adolescents with early social deprivation". *Sci Rep*.4:5354.
- Fumagalli, M., Ferrucci, R., Mameli, F., Marceglia, S., Mrakic-Spota, S., Zago, S. & Priori, A. (2010). "Gender-related differences in moral judgments". *Cognitive Processing*, 11, 219-226.
- Friesdorf, R., Conway, P. & Gawronski, B. (2015). "Gender Differences in Responses to Moral Dilemmas A Process Dissociation Analysis". *Pers Soc Psychol Bull*. 41(5): 696-713.
- Fischer, A.H. & Manstead, A.S.R. (2000). *The relation between gender and emotion in different cultures*. In A. H. Fischer (Ed.), *Gender and emotion: Social psychological perspectives* (pp. 71-96). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Greene, J.D., Sommerville, R.B., Nystrom, L.E., Darley, J.M. & Cohen, J.D. (2001). "An Fmri investigation of emotional engagement in moral judgment". *Science*, 293(5537), 2105-2108.
- Greene, J.D. & Haidt, J. (2002). "How (and where) does moral judgment work? ". *Trends in Cognitive Science*, 6, 517-523.
- Greene, J.D., Morelli, S.A., Lowenberg, K., Nystrom, L.E. & Cohen, J.D. (2008). "Cognitive load selectively interferes with utilitarian moral judgment". *Cognition*, 107, 1144-1154.

- Gibbs, J.C. (2013). *Moral development and reality: Beyond the theories of Kohlberg, Hoffman, and Haidt*. Oxford University Press.
- Gleichgerrcht, E. & Young, L. (2013). "Low levels of empathic concern predict utilitarian moral judgment". *PLoS One*. 8:e60418.
- Giorgini, V., Gibson, C., Mecca, J.T., Medeiros, K.E., Mumford, M.D., Connelly, S., & Devenport, L.D. (2016). "Differences in Biases and Compensatory Strategies across Discipline, Rank, and Gender among University Academics". *Sci Eng Ethics*. 2015 December; 21(6): 1551-1579.
- Hall, J.A. & Schmid Mast, M. (2008). "Are women always more interpersonally sensitive than men? Impact of goals and content domain". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34, 144-155.
- Hareli, S., Shomrat, N. & Hess. U. (2009). "Emotional versus neutral expressions and perceptions of social dominance and submissiveness". *Emotion* 9:378-384.
- Jaffee, S.R. & Hyde, J.S. (2000). "Gender difference in moral orientation: a meta-analysis". *Psychol Bull* 126(5):703-726.
- Kohlberg, L. (1969). *Stage and sequence: the cognitive-developmental approach to socialization*. Rand McNally, Chicago, p 134.
- Kleinsmith, A., Bianchi-Berthouze, N. & Berthouze, L. (2006). "An effect of gender in the interpretation of affective cues in avatars, in Proceedings Advanced of Workshop on Gender and Interaction". Conjunction with the International Conference of Visual Interfaces, Venice, Italy.
- Kruglanski, A. & Gigerenzer, G. (2011). "Intuitive and deliberate judgments are based on common principles". *Psychological Review*. 118, 97-109.
- Kret, M.E. & de Gelder, B. (2013). "When a smile becomes a fist: the perception of facial and bodily expressions of emotion in violent offenders". *Exp. Brain. Res.* 228, 399-410.
- Leeper, C. (2015). *Gender and social-cognitive development*. In R. M. Lerner (Ed.), *Handbook of child psychology and developmental science* (7th ed., pp. 1-47). New Jersey, US: John Wiley & Sons, Inc.
- Lopez-Saez, M., Morales, J.F. & Lisbona, A. (2008). "Evolution of gender stereotypes in Spain: traits and roles". *Span J Psychol*. 11:609±17.
- McCabe, A.C., Ingram, R., & Dato-on, M.C. (2006). "The business of ethics and gender". *Journal of Business Ethics*, 64, 101-116.
- Maeda, Y., Thoma, S.J. & Bebeau, M.J. (2009). "Understanding the relationship between moral judgment development and individual characteristics: the role of educational contexts". *J Educ Psychol* 101:233-247.
- Meyer, N.D. & Tormala, Z.L. (2010). "Think" versus "feel" framing

- effects in persuasion". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 36, 443-454.
- Moore, A.B., Clark, B.A. & Kane, M.J. (2008). "Who shalt not kill? Individual differences in working memory capacity, executive control, and moral judgment". *Psychol Sci* 19: 549-557.
- Nichols, S. & Mallon, R. (2006)." Moral dilemmas and moral rules". *Cognition*, 100(3), 530-542.
- Osman, M. & Wiegmann, A. (2017). "Explaining moral behavior". *Exp Psychol*.64, 68-81.
- Patterson, R., Rothstein, J. & Barbey, A.K. (2012). "Reasoning, cognitive control, andmoralintuition". *Front. Integr.Neurosci*. 6:114.
- Patil, I. & Silani, G. (2014). "Reduced empathic concern leads to utilitarian moral judgments in trait alexithymia". *Front Psychol*. 5:501.
- Paxton, J.M. & Greene, J.D. (2010). "Moral reasoning: Hints and allegations". *Topics in Cognitive Science*, 2(3), 511-527.
- Rosen, J.B, Brand, M. & Kalbe, E. (2016). *Empathy Mediates the Effects of Age and Sex on Altruistic Moral Decision Making: ORIGINAL RESEARCH* published: 12 April.
- Seyedsayamdost, H. (2015). "On gender and philosophical intuition: failure of replication and other negative results". *Philos Psychol* 28(5):642-673.
- Strohming, N., Lewis, R.L. & Meyer, D.E. (2011). "Divergent effects of different positive emotions on moral judgment". *Cognition*, 119, 295-300.
- Streiner, D.L. (2003). "Meta-Analysis: A 12-Step Program". *J Gambl Stud*; 9(1): 1-23.
- Schnall, S., Haidt, J., Clore, G.L. & Jordan, A.H. (2008). "Disgust as embodied moral judgment". *Pers Soc Psychol Bull*. 34 (8):1096-109.
- Zamzow, J.L. & Nichols, S. (2009)." Variations in ethical intuitions". *Philos Issues* 19(1):368-388.
- Zibrek, K., Hoyet, L., Ruhland, K. & McDonnell, R. (2015). "Exploring the effect of motion type and emotions on the perception of gender in virtual humans". *Appl. Percept*. 12, 1-201.
- Zhu, N., Hawk, S.T. & Chang, L. (2018). "Living Slow and Being Moral Life History Predicts the Dual Process of Other-Centered Reasoning and Judgments". *Hum Nat*, 29:186-209.
- Walker, L.J., Frimer, J.A. & Dunlop, W.L. (2010). "Varieties of moral personality: Beyond the banality of heroism". *Journal of personality*, 78(3), 907-942.

#### COPYRIGHTS



© 2019 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)